

الروایات بالنص على الاثني عشر إماماً - أو بعضهم

- بعد الرسول محمد (صلى الله عليه وآله):

روایات نص بر ۱۲ امام یا برخی از آنان پس از

محمد رسول الله (صلى الله عليه وآله):

ومنها:

از جمله‌ی این روایات می‌توان موارد زیر را ذکر کرد:

«مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْعُصْفُورِيِّ عَنْ عَمْرِو بْنِ ثَابِتٍ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ سَمِعْتُ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) يَقُولُ: إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ مُحَمَّدًا وَعَلِيًّا وَأَحَدَ عَشَرَ مِنْ وَلَدِهِ مِنْ نُورِ عَظْمَتِهِ فَأَقَامَهُمْ أَشْبَاحًا فِي ضِيَاءِ نُورِهِ يَعْْبُدُونَهُ قَبْلَ خَلْقِ الْخَلْقِ يُسَبِّحُونَ اللَّهَ وَيُقَدِّسُونَهُ وَهُمْ الْأَئِمَّةُ مِنْ وُلْدِ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله)» ([450]).

امام سجاد (ع) فرمود: (خداوند محمد و علی و یازده نفر از فرزندانش را از نور عظمت خویش آفرید. آنان را به صورت اشباحی در روشنایی نور خودش قرار داد. پیش از آفرینش مخلوقات، خداوند را می‌پرستیدند و او را تسبیح و تقدیس می‌نمودند. آنان امامان از فرزندان رسول الله (ص) هستند). ([451])

«عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ سَعِيدِ بْنِ غَزْوَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ: يَكُونُ تِسْعَةٌ أئِمَّةٍ بَعْدَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ تَأْسِعُهُمْ قَائِمُهُمْ» ([452]).

امام باقر (ع) فرمود: (نه امام پس از حسین بن علی می‌باشند که نهمین ایشان،

قائم ایشان است). ([453])

الروایات فی النص علی الاثنی عشر إماماً من ولد رسول الله (صلی الله علیه وآله) وعلی وفاطمة (علیهما السلام):

روایات نص بر دوازده امام از فرزندان رسول الله (ص) و علی و فاطمه (علیهما السلام)

وهي كثيرة وهذا مثال منها أنقله من كتاب الأربعين للشيخ ناظم العقيلي، فمن يريد الزيادة يرجع لكتاب الشيخ حفظه الله:

روایات در این مورد بسیار است؛ این موارد را به عنوان نمونه از کتاب (چهل حدیث در مورد مهدیین و فرزندان قائم (ع)) از شیخ ناظم عقیلی نقل می‌کنم. افرادی که روایات بیشتری در این مورد می‌خواهند، به این کتاب مراجعه کنند:

[الشيخ الكليني: «محمد بن يحيى (454)، عن محمد بن أحمد (455)، عن محمد بن الحسين (456)، عن أبي سعيد العصفوري (457)، عن عمرو بن ثابت (458)، عن أبي الجاورد (459)، عن أبي جعفر (عليه السلام)، قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله): إني واثنی عشر من ولدي وأنت يا علي زر الأرض يعني أوتادها وجبالها، بنا أوتد الله الأرض أن تسيخ بأهلها، فإذا ذهب الاثننا عشر من ولدي ساخت الأرض بأهلها ولم ينظروا» (460)].

شيخ كليني: محمد بن يحيى (461)، از محمد بن احمد (462)، از محمد بن حسين (463)، از ابوسعید عصفوری (464)، از عمرو بن ثابت (465)، از ابو جارود (466)، از امام باقر (ع) نقل کرد که فرمود: رسول الله (ص) فرمود: (من و دوازده تن از فرزندانم و تو ای علی پناهگاه‌های زمین هستیم، یعنی سبب پایداری و کوه‌های آن هستیم؛ خدا به وسیله‌ی ما زمین را پایدار کرد، تا اهلش را فرو نبرد. پس هنگامی که دوازده تن از فرزندانم بروند، زمین اهلش را فرو خواهد برد، و هرگز به آنان مهلت داده نمی‌شود).

الشيخ الكليني: «أبو علي الأشعري (467)، عن الحسن بن عبيد الله (468)، عن الحسن بن موسى الخشاب (469)، عن علي بن سماعة (470)، عن علي بن الحسن بن رباط (471)، عن ابن أذينة (472)، عن زرارة (473) قال: سمعت أبا جعفر (عليه السلام) يقول: (الاثنا عشر الإمام من آل محمد كلهم محدث من ولد رسول الله (صلى الله عليه وآله) وولد علي بن أبي طالب (عليه السلام)، فرسول الله (صلى الله عليه وآله) وعلي (عليه السلام) هما الوالدان» (474) (475).

شيخ كليني: ابوعلی اشعری، (476) از حسن بن عبيدالله، (477) از حسن بن موسى خشاب، (478) از علي بن سماعة، (479) از علي بن حسن بن رباط، (480) از ابن اذينه، (481) از زراره، (482) نقل کرد که از امام باقر (ع) شنیدم که فرمود: (دوازده امام از آل محمد هستند، که همه‌ی آنان محدث (483) و از فرزندان رسول الله (ص) و علی (ع) می‌باشند، و رسول الله (ص) و علی (ع) پدران آنان هستند.) (484) (485).

الروایات فی النص علی الاثني عشر إماماً والاثني عشر مهدياً:

روایات نص بر دوازده امام و دوازده مهدی (ع)

وتقدمت الوصية وغيرها كثير من الروايات نصت على الاثني عشر مهدياً، وأنقل هنا دعاءً عن الإمام الرضا (صلوات الله عليه) يدعو فيه للمهديين من ولد الإمام المهدي (عليه السلام):

قبلاً روایت وصیت و روایات دیگری را آوردم که نص بر دوازده مهدی در آنها وجود دارد. در اینجا دعایی را از امام رضا (ع) نقل می‌کنم که در آن برای مهدیین از فرزندان امام مهدی (ع) دعا می‌کند:

[الشيخ الطوسي (486)] بأسانيدہ عن يونس بن عبد الرحمن: أن الرضا (عليه السلام) كان يأمر بالدعاء لصاحب الأمر بهذا: «اللهم ادفع عن وليك وخليفتك وحجتك على خلقك ... اللهم، أعطه في نفسه وأهله وولده وذريته وأمه وجميع رعيته ما تقر به عينه وتسر به نفسه وتجمع له ملك المملكات كلها قريبا وبعيها وعزيزها وذليلها... اللهم، صل على ولاية عهده والأئمة من بعده وبلغهم آمالهم وزد في آجالهم وأعز نصرهم وتمم لهم ما أسندت إليهم من أمرك لهم وثبت دعائمهم واجعلنا لهم أعواناً وعلى دينك أنصاراً فإنهم معادن كلماتك وخزان علمك وأركان توحيدك ودعائم دينك وولاية أمرك وخالصتك من عبادك وصفوتك من خلقك وأولياؤك وسلائل أوليائك وصفوة أولاد نبيك والسلام عليه وعليهم ورحمة الله وبركاته» [487] [488].

شيخ طوسي [489] با اسناد خود از يونس بن عبدالرحمن می گوید: امام رضا (ع) به دعا برای صاحب الامر با این دعا سفارش می فرمودند: ((خداوندا، دفع کن از ولایت و خلیفیات و حجتت بر خلقت...، خداوندا، عطا کن به خود او و خانواده ی او و فرزندان او و ذریه ی او و امت و رعیت او، چیزی که باعث روشنی چشمش گردد و او را شادمان سازد؛ و حکومت همه ی سرزمین های دور و نزدیک و قوی و ضعیف را برای او جمع کن...؛ خداوندا، بر والیان عهد او و امامان بعد از او درود فرست، و آنان را به آرزوهایشان برسان و بر اجل هایشان بیفزای و پیروزی آنان را گرامی دار و آنچه از امر خود به آنان محول کرده ای، کامل کن و دعای آنان را مستجاب کن و ما را از یاری کنندگان آنان و یاوران دینت قرار ده، که آنان معادن سخنان تو و مخازن علم تو و پایه های توحید تو و برگزیدگان خلقت و دوستان تو و از نسل دوستان تو و برگزیده ی فرزندان پیامبرت هستند، که درود و رحمت خدا و برکاتش بر او و آنان باد))، [490] [491].

روایات النص علی المهدیین تفید العلم والاعتقاد:

از روایات نص بر مهدیین، علم و اعتقاد حاصل می‌شود

روایات النص علی‌المهدیین أو بعضهم كثيرة حد التواتر وهي تفيد العلم والاعتقاد، ولا تعارض بين الروایات المتقدمة في الأئمة والمهدیین أو بعضهم، فهي روایات كثيرة جداً ولا يمكن التكرار أو إنكار طائفة منها إلا عن جهل أو عناد وتعسف أبعد صاحبه عن منهج البحث العلمي الصحيح، وإلا فالنتيجة العلمية المتحصلة أن هناك روایات تفيد العلم والیقین بأنّ هناك خلفاء لله في أرضه بعد الأئمة الاثني عشر. والجمع بين طوائف الروایات المتقدمة متيسر ويسير وجميعها موافقة لوصية الرسول محمد (صلى الله عليه وآله) ليلة وفاته التي نصت على اثني عشر إماماً واثني عشر مهدياً. والحمد لله الذي جعل الحق ظاهراً جلياً لمن طلبه.

تعداد روایات نص بر مهدیین یا برخی از آنها، زیاد و در حد تواتر است و از آن علم و اعتقاد به دست می‌آید. همچنین تعارضی بین روایات گفته‌شده در مورد امامان و مهدیین وجود ندارد. این روایات بسیار زیاد هستند و نمی‌توان آنها را انکار کرد یا تعدادی از آنها را رد کرد؛ مگر از روی نادانی یا دشمنی و به بیراهه رفتن، که البته چنین فردی از روش بحث علمی صحیح دور می‌شود. نتیجه علمی که از این روایات به دست می‌آید، این است که پس از دوازده امام، خداوند خلفایی در زمین دارد. جمع بین روایات پیشین، آسان و راحت است و همه‌ی آنها با وصیت محمد رسول الله (ص) در شب وفات موافقت دارد که نص بر دوازده امام و دوازده مهدی می‌کند. خدا را شکر که حق را برای طالبان آن، آشکار و روشن قرار داده است.

[451]. کافی، کلینی: ج ۱، ص ۵۳۰ تا ۵۳۱، باب فیما جاء فی الإثنی عشر والنص علیهم ع.

[452]. الکافی - کلینی: ج ۱ ص ۵۳۳ باب فیما جاء فی الاثنی عشر والنص علیهم (علیهم السلام).

[453]. کافی، کلینی: ج ۱، ص ۵۳۳، باب فیما جاء فی الإثنی عشر والنص علیهم ع.

[454]. محمد بن یحیی أبو جعفر العطار القمی، وثقه النجاشی فی رجاله: ص ۳۵۳ برقم ۹۴۶.

[455]. محمد بن أحمد بن یحیی بن عمران بن عبد الله بن سعد بن مالک الأشعری القمی أبو جعفر، وثقه النجاشی فی

رجالہ: ص ۳۴۸ برقم ۹۳۹، ووثقه الشیخ الطوسی فی الفهرست: ص ۲۲۱ برقم ۶۲۲.

[456]. محمد بن الحسین بن أبی الخطاب أبو جعفر الزیات الهمدانی، وثقه النجاشی فی رجاله: ص ۳۳۴، برقم ۸۹۷، وقد

فصل الکلام فیہ المحقق الخوئی فی معجمه: ج ۱۶ ص ۲۴۸ برقم ۱۰۵۷۶، ص ۳۰۸ برقم ۱۰۵۸۱. فراجع.

[457]. مدحه المیرزا النوری فی خاتمة المستدرک: ج ۱ ص ۵۳ - ۵۴، ووثقه المحقق الخوئی فی المعجم، راجع: ج ۱۰

ص ۲۲۷ برقم ۶۱۳۵، و ص ۲۳۶ برقم ۶۱۵۷، و ج ۲ ص ۱۸۴ برقم ۱۴۳۴۴.

[458]. رویت روایة فی حقه تدل علی علو مقامه وحسن موالاته لأهل البيت (علیهم السلام)، راجع اختیار معرفة الرجال للشیخ

الطوسی: ج ۲ ص ۶۹۰. وذكره العلامة فی القسم الأول من خلاصة الأقوال ص ۲۱۲. وذكر توثيقه الشیخ علی النمازی

الشاهرودی فی مستدرکات علم رجال الحديث: ج ۶ ص ۲۳ برقم ۱۰۷۲۱. أضف إلى ذلك إنه وقع فی إسناد تفسیر القمی

وكمال الزیارات، - اللذین اعتبرهما الخوئی دليلاً علی وثاقة الرواة - راجع ترجمة عمرو بن أبی المقدم فی معجم رجال

الحديث: ج ۱۴ ص ۸۰ - ۸۱ برقم ۸۸۶۳.

[459]. زیاد بن المنذر أبو الجارود الهمدانی الأعمی، وثقه المحقق الخوئی فی المعجم، راجع: ج ۸ ص ۳۳۲ برقم ۴۸۱۵.

واستظهر وثاقته الشیخ علی النمازی الشاهرودی فی مستدرکات علم رجال الحديث: ج ۳ ص ۴۵۴ - ۴۵۵ برقم ۵۸۷۴.

[460]. الکافی - کلینی: ج ۱ ص ۵۳۴.

[461]. محمد بن یحیی ابوجعفر عطار قمی، نجاشی در رجال، ص ۳۵۳، شماره ۹۴۶ او را موثق دانسته است.

[462]. محمد بن احمد بن عمران بن عبدالله بن سعد بن مالک اشعری قمی ابو جعفر، نجاشی در رجال،

ص ۳۴۸، شماره ۹۳۹؛ و شیخ طوسی در فهرست، ص ۲۲۱، شماره ۶۲۲، او را توثیق کرده‌اند.

[463]. محمد بن حسین بن ابی‌خطاب ابوجعفر زیات همدانی، نجاشی در رجال، ص ۳۳۴، شماره ۸۹۷ او را توثیق

کرده است. همچنین محقق خوبی در معجم، ج ۱۶، ص ۲۴۸ شماره ۱۰۵۷۶، ص ۳۰۸، شماره ۱۰۵۸۱، در مورد

او توضیح داده است.

[464]. میرزای نوری در خاتمه مستدرک، ج ۱، ص ۵۳ و ۵۴، او را ستوده است؛ همچنین محقق خوبی در معجم،

ج ۱۰، ص ۲۲۷، شماره ۶۱۳۵ و ص ۲۳۶، شماره ۶۱۵۷ و ج ۲، ص ۱۸۴، شماره ۱۴۳۴۴، او را توثیق کرده است.

[465]. روایتی در مورد او آمده است که دلالت بر جایگاه بلند او و ولایت نیکوی او نسبت به اهل بیت D دارد. به

اختیار معرفة الرجال، طوسی، ج ۲، ص ۶۹۰، مراجعه کنید. علامه او را در قسمت اول خلاصة الاقوال، ص ۲۱۲،

ذکر کرده است. همچنین شیخ علی نمازی شاهرودی، توثیق او را در مستدرکات علم رجال الحديث، ج ۶، ص ۲۳،

شماره ۱۰۷۲۱، ذکر کرده است. علاوه بر این، نام وی در سند تفسیر قمی و کامل الزیارات آمده است و خوبی آن را

دليل مورد وثوق بودن راويان می‌داند. به شرح حال عمرو بن ابی‌مقدم در معجم رجال الحديث، ج ۱۴، صص ۸۰ و ۸۱، شماره ۸۸۶۳، مراجعه کنید.

[466]. زیاد بن منذر ابوجارود همدانی که نایبنا بوده است، محقق خوبی در معجم، ج ۸، ص ۳۳۲، شماره ۴۸۱۵، او را توثیق کرده است. شیخ علی نمازی شاهرودی در مستدرکات علم رجال الحديث، ج ۳، ص ۴۵۴ و ۴۵۵، شماره ۵۸۷۴، مورد وثوق بودن او را تأیید کرده است.

[467]. وثقه النجاشي في رجاله: ص 92 برقم 228، ووثقه الشيخ الطوسي في الفهرست: ص 71 برقم 81.

[468]. الحسين بن عبد الله = الحسين بن عبيد الله: ذكره النجاشي ص 42 - 44، برقم 86 قائلاً: "الحسين بن عبيد الله السعدي أبو عبد الله ابن عبيد الله بن سهل ممن طعن عليه ورمي بالغلو. له كتب صحيحة الحديث، منها: التوحيد، المؤمن والمسلم، المقت والتوبيخ، الإمامة، النوادر، المزار، المتعة أخبرنا أبو عبد الله بن شاذان قال: حدثنا علي بن حاتم قال: حدثنا أحمد بن علي الفائدي عن الحسين بكتابه المتعة خاصة. وأخبرنا محمد بن علي بن شاذان قال: حدثنا أحمد بن محمد بن يحيى قال: حدثنا أبي قال: حدثنا الحسين بن عبيد الله بكتبه وهي الإيمان وصفة المؤمن... " انتهى.

وذكره الشيخ علي النمازي الشاهرودي في مستدرکات علم رجال الحديث: ج 3 ص 151، برقم 4463 قائلاً: "الحسين بن عبيد الله بن سهل السعدي أبو عبد الله: ممن طعن عليه ورمي بالغلو. له كتب صحيحة الحديث. كذا قاله النجاشي ثم عد كتبه وأبواب الكتاب. وقد روى أحمد بن إدريس، عنه في حال استقامته كتاب الحسن بن علي بن أبي عثمان. وروى أحمد بن علي الفائدي، عنه، عن إبراهيم بن هاشم كتب المفضل بن عمر كما في جش ص 295، وله كتاب في الإمامة كما في أول مدينة المعاجز ولم يذكر اسم جده. وفي بعض النسخ ذكر اسم أبيه عبد الله مكبراً كما تقدم " انتهى.

[469]. مدحه النجاشي ص 42 برقم 85 قائلاً: "الحسن بن موسى الخشاب من وجوه أصحابنا مشهور كثير العلم والحديث له مصنفات منها كتاب الرد على الواقفة، وكتاب النوادر، وقيل أن له كتاب الحج وكتاب الأنبياء، أخبرنا محمد بن علي القزويني قال: حدثنا أحمد بن محمد بن يحيى قال: حدثنا أبي قال: حدثنا عمران بن موسى الأشعري عن الحسن بن موسى " انتهى.

وذكره العلامة الحلي في خلاصة الأقوال - القسم الأول ص 104، قائلاً: "الحسن بن موسى الخشاب، من وجوه أصحابنا، مشهور، كثير العلم والحديث " انتهى.

[470]. في الغيبة للشيخ الطوسي: ص 151 ح 112 [الحسن بن سماعة] بدل [علي بن سماعة]; وكذلك في بحار الأنوار: ج 36 ص 393، وعلي بن سماعة لم يرد في أسانيد الكافي إلا في سند هذه الرواية، ولم يذكر في كتب الرجال، وهذا ما يؤيد أنه مصحف، والصحيح هو [الحسن بن سماعة]، ويؤيده أيضاً أن الكليني روى نفس هذه الرواية باختلاف يسير في ج 1 ص 531، وذكر في سندها [ابن سماعة] وهو منصرف إلى الحسن بن سماعة المعروف، راجع معجم رجال الحديث للمحقق الخوئي: ج 23 ص 196 - 198 برقم 15115..

والحسن بن سماعة وثقه النجاشي في رجاله: ص 40 - 41، برقم 84؛ وراجع معجم رجال الحديث للمحقق الخوئي: ج 5 ص 342 برقم 2860، وج 6 ص 126 برقم 3115، وج 23 ص 196 برقم 15115.

[471]. وثقه النجاشي: ص 251، برقم 659.

[472]. مدحه النجاشي في رجاله بما يفيد وثاقته ص 283 - 284، برقم 752 قائلاً: "شيخ أصحابنا البصريين ووجههم"، ووثقه الشيخ الطوسي في الفهرست: ص 184، برقم 503.

[473]. متفق على وثاقته وجلالته.

[474]. الكافي - الكليني: ج 1 ص 533.

[475]. الأربعون حديثاً في المهديين - الشيخ ناظم العقيلي.

[476]. نجاشي در رجال، ص 92، شماره 228؛ و شيخ طوسي در فهرست، ص 71، شماره 81 او را موثق دانسته‌اند.

[477]. حسين بن عبدالله = حسين بن عبدالله، نجاشي در رجال، ص 42 تا 44، شماره 86، او را اين گونه ذکر کرده است: (حسين بن عبدالله سعدی ابوعبدالله بن عبدالله بن سهل جزو افرادی است که به او طعنه زده شده است و به غلو متهم شده است. او کتاب‌های صحيح السندی دارد؛ از جمله: توحيد، مؤمن و مسلم، مقت و توبيخ، امامت، نوادر، مزار، متعه. ابوعبدالله بن شاذان به ما خبر داده است که گفت: علي بن حاتم به ما حديث کرده است که گفت: احمد بن علي فائدي از حسين، فقط کتاب متعاهش را خبر داده است. و محمد بن علي بن شاذان از احمد بن محمد بن يحيى از پدرش نقل کرده که حسين بن عبدالله ما را از کتبش به نام ايمان و صفت مؤمن خبر داده است). شيخ علي نمازی نیز او را در مستدرکات علم رجال الحديث: ج 3، ص 151، شماره 463، اين گونه ذکر می‌کند: (حسين بن عبدالله بن سهل سعدی ابوعبدالله جزو افرادی است که به او طعنه زده شده است و متهم به غلو است. او کتاب‌های صحيحی دارد. نجاشي اين را گفته، سپس کتاب‌ها و فصل‌های کتاب‌هايش را شمرده است. احمد بن ادريس از او در حالت استواری اش کتاب حسن بن علي بن ابي عثمان را روايت کرده است. احمد بن علي فائدي از او، از ابراهيم بن هاشم نوشته‌های مفضل بن عمر را روايت کرده است، همان طور که در جش، ص 295، آمده است. او کتابی در امامت دارد، همان طور که در آغاز مدينة المعاجز آمده است و نام جدش ذکر نشده است. در برخی از نسخه‌ها نیز نام پدرش عبدالله مکبر ذکر شده است، همان طور که گفته شد).

[478]. نجاشي او را در رجال، ص 42، شماره 85، اين گونه مدح کرده است: (حسن بن موسی خشاب از بهترین یاران ماست. مشهور است و علم و حدیثش بسیار است. کتاب‌هایی دارد که از جمله‌ی آنها «الرد علی الواقفة» و «النوادر» است. کتب «حج» و «انبیا» نیز برای وی گفته شده است. محمد بن علی قزوینی به ما خبر داده است که می‌گوید: احمد بن محمد بن يحيى از پدرش از عمران بن موسی اشعری از حسن بن موسی برای ما حدیث نقل کرده است).

علامه حلی در خلاصة الاقوال، قسمت اول، ص 104، او را این گونه ذکر کرده است: (حسن بن موسی خشاب از بهترین یاران ماست، مشهور است و علم و حدیثش بسیار است).

[479]. در غیبت طوسی، ص 151، ح 112، همچنین در بحار الانوار، ج 36، ص 393، به جای علی بن سماعه، حسن بن سماعه آمده است. و علی بن سماعه در اسناد کتاب کافی فقط در سند این روایت آمده است و در کتاب‌های رجالی ذکر نشده است. و این تأیید می‌کند که این خطا در تصحیف واقع شده است و صحیح آن همان

حسن بن سماعه است. این مطلب را همچنین این نکته تأیید می‌کند که کلینی همین روایت را با اختلاف اندکی در ج ۱، ص ۵۳۱، روایت می‌کند و در سندش «ابن سماعه» را ذکر می‌کند و این به حسن بن سماعه معروف باز می‌گردد. در این مورد می‌توانید به معجم رجال الحدیث محقق خوبی، ج ۲۳، ص ۱۹۶ تا ۱۹۸، شماره ۱۵۱۱۵ مراجعه کنید.

حسن بن سماعه را نجاشی در رجال، ص ۴۰ و ۴۱، شماره ۸۴، توثیق کرده است. او همچنین در معجم رجال الحدیث محقق خوبی، ج ۵، ص ۳۴۲، شماره ۲۸۶۰؛ و ج ۶، ص ۱۲۶، شماره ۳۱۱۵؛ و ج ۲۳، ص ۱۹۶، شماره ۱۵۱۱۵ توثیق شده است.

[480]. نجاشی او را در رجال، ص ۲۵۱، شماره ۶۵۹، توثیق نموده است.

[481]. نجاشی او را در رجال، ص ۲۸۳ و ۲۸۴، شماره ۷۵۲، این گونه مدح کرده است: (شیخ از یاران بصری ما و بهترین آنان است)؛ که این سخن نشان‌دهنده‌ی وثاقت اوست. شیخ طوسی در فهرست، ص ۱۸۴، شماره ۵۹۳، او را توثیق نموده است.

[482]. نسبت به وثاقت و جلالت او اتفاق نظر وجود دارد.

[483]. محدث در زبان اهل بیت ع به فردی گفته می‌شود که فرشتگان با او سخن می‌گویند و او صدای آنان را می‌شنود. (مترجم)

[484]. کافی، کلینی، ج ۱، ص ۵۳۳.

[485]. منقول از کتاب «چهل حدیث در مورد مهدیین و فرزندان قائم (ع)» تألیف شیخ ناظم عقیلی، حدیث چهلیم.

[486]. ذکر السید ابن طاووس فی جمال الأسبوع: ص 307، أن الشيخ الطوسي روی هذا الدعاء بعدة أسانيد عن يونس بن عبد الرحمن، وهذا نص كلامه: "حدثني الجماعة الذين قدمت ذكرهم في عدة مواضع من هذا الكتاب باسنادهم إلى جدي أبي جعفر الطوسي تلقاه الله جل جلاله بالأمان والرضوان يوم الحساب قال: أخبرنا ابن أبي الجيد، عن محمد بن الحسن بن سعيد بن عبد الله والحميري وعلي بن إبراهيم ومحمد بن الحسن الصفار، كلهم عن إبراهيم بن هاشم، عن إسماعيل بن مولى صالح بن السندي، عن يونس بن عبد الرحمن، ورواه جدي أبي جعفر الطوسي فيما يرويه عن يونس بن الرحمن بعدة طرق تركت ذكرها كراهية للإطالة في هذا المكان، يروى عن يونس بن عبد الرحمن: أن الرضا (عليه السلام) كان يأمر بالدعاء لصاحب الأمر (عليه السلام) بهذا...".

وقد صرح الميرزا النوري بأن هذا الدعاء مروى بعدة أسانيد معتبرة صحيحة، وهذا نص كلامه: "روى جماعة كثيرة من العلماء منهم الشيخ الطوسي في المصباح، والسيد ابن طاووس في جمال الأسبوع بأسانيد معتبرة صحيحة وغيرها عن يونس بن عبد الرحمن: أن الرضا (عليه السلام) كان يأمر بالدعاء لصاحب الأمر (عليه السلام) بهذا...: "النجم الثاقب - الميرزا النوري: ج 2 ص 456.

وقول الميرزا النوري يغنينا عن الاطالة في سرد توثيق رجال السند.

[487]. مصباح المتهدد - الطوسي: ص 409؛ جمال الأسبوع - ابن طاووس: ص 307.

[488]. الأربعون حديثاً في المهديين - الشيخ ناظم العقبلي.

[489] سید بن طاووس در جمال الاسبوع، ص ۳۰۷ ذکر کرده که شیخ طوسی این دعا را در اسناد متعدد از یونس بن عبدالرحمن روایت کرده است و این متن کلام اوست: (افرادی که ذکرشان را در مواضع متعددی از این کتاب با استنادشان به جدم ابوجعفر طوسی ذکر کردم گفتند: ابن ابی جید از محمد بن حسن بن سعید بن عبدالله حمیری و علی بن ابراهیم و محمد بن صفار، و همه‌ی آنها از ابراهیم بن هاشم از اسماعیل بن مولد و صالح بن سندی، از یونس بن عبدالرحمن نقل کرده است و جدم ابوجعفر طوسی آن را در زمره‌ی روایاتی از یونس بن عبدالرحمن به چند طریق روایت کرده است و من برای اجتناب از طولانی شدن کلام آن را ذکر نکردم. از یونس بن عبدالرحمن روایت شده است امام رضا(ع) همیشه به این دعا، برای صاحب الامر سفارش می‌کرد...).

و میرزای نوری تصریح کرده که این دعا با چند سند معتبر و صحیح روایت شده است. و این متن سخن اوست: (جماعت بسیاری از علما روایت کردند که از جمله‌ی آنها شیخ طوسی در مصباح و سید بن طاووس در جمال الاسبوع با سندهای معتبر و صحیح، از یونس بن عبدالرحمن نقل کرده است که امام رضا(ع) همیشه به این دعا، برای صاحب الامر سفارش می‌فرمودند:...) نجم الثاقب، میرزای نوری، ج ۲، ص ۴۵۶. سخن میرزای نوری ما را از طولانی کردن در بیان توثیق رجال سند بی‌نیاز می‌کند.

[490] مصباح المتعجد، طوسی، ص ۴۰۹؛ جمال الاسبوع، ابن طاووس، ص ۳۰۷.

[491] منقول از کتاب «چهل حدیث در مورد مهدیین و فرزندان قائم(ع)» تألیف شیخ ناظم عقیلی، حدیث دهم.